

# همشهری

حافظ

در درمغان آمد، یارم قدحی در دست  
مست از می و میخوران از ترگی مستی مست

صفحات: ۱۲

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
مدیر مسئول: محسن مهدیان  
سرمدیرو: دانیال معمار

مدیران سردبیری: شاهرام فرهنگی، علی عمادی  
شاهین امین، حامد فوقانی

مدیر فنی: حامد یزدانی  
مدیر هنری: مهدی سلامی  
مدیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارجلو  
شورنگار: مدیر: پروانه بهرام نژاد  
مدیر: مریم باقرپور

اقتصاد: مدیر: حسین لطفی  
مدیر: مریم موسی پور

تماشگر: مدیر: امیر محمد یعقوب پور  
مدیر: لیلی فرسند

ایرانشهر: مدیر: بهرام عباسی  
تسنو: مدیر: سعید محمدی  
مدیر: مریم سرخوش

سرخ: مدیر: جواد عزیزی  
مدیر: محمد جعفری

دانشجو: مدیر: ساسان شادمان  
مدیر: زهرا خلجی

سرزمین من: مدیر: محمد باریکانی

جامعه: مدیر: بهمن طباطبایی  
گزارش: مدیر: سعید محمدی  
مدیر: فاطمه عسگری نیا

۳۴ (سیما و تلویزیون): مدیر: سعید فرونی  
مدیر: علی رضا محمودی

صفحه آخر: مدیر: جواد نصرتی

طرح و گرافیک: مدیر: محمد علی طلیعی

## کوچه گرد

### نخستین کسانی که سبزی مقامات را پاک کردند



لیلاباقری

همه از چابلووسی بدشان می آید اما یکی از رایج ترین روش های بده و بستان است در همه زمان ها؛ چون خرجی از جیب نمی کنند، زبان مبارک را می چرخاند چیزی به دست می آورند... این تملق گویان در ادوار مختلف به القاب متنوعی هم مزین شدند از جای شیرین های پاجمخار مجیز گوی زبان به مزد بادمجان دور قلاب چین تا کلی کلمه دیگر... نمی دانم صفت دیگری هست که مردم آنقدر پر ایش اصطلاح ساخته باشند یا این خلق چنان لاج در آست که در زمان های مختلف ایرانی نامک برایش یک چیزی باب کرده، انصافا ما خوب با خودمان شوخی می کنیم. حالا این وسط یک عده بودند که از ریختن یک جایی چابلووسی کردند که نه تنها از شان عکس و نوشته در تاریخ ماند که زبانه زد هم، کنایه از کار این مجیز گویان روی زبان افتاده کمتر سبزی فلاخی را پاک کن!

ماجرای این قرار است که ناصرالدین شاه هر سال در بیلاق و وقت گشت و گذار و شکار مراسم آش پزان داشت. از آنجا که در این سفرها خدم و حشم و آشپز زیادی با خودش نمی برد، برای پختن ایسن آش و برگزاری مراسم از درباریان همراه استفاده می کرد.

عبدالله مستوفی درباره داستان آش نذری می نویسد که شاید ریشه این آش نذری همان آش شله قلمکاری باشد که مادر نذیر پسر تاجدار خودش کرد. اما خب از آنجا که این شاه بازگوش عادت داشت همه چیز را از حالت اصلی به حالت طرب و شادای دریاورد، این آش نذری هم کم کم تبدیل شد به یک آش درم و برهم از همه نوع حیوانات و دانه ها و سبزی ها و صیفی ها به انضمام جشن و شادی و نمایش و موسیقی! این مراسم در آبان ماه و در بیلاق یا همکاری تمام رجال دربار و زیر نظر مستقیم ناصرالدین شاه پخته می شد. از مراحل پاک کردن سبزی تا پختن و پز. مستوفی می گوید خودم عکس را دیدم که صدراعظم بادمجان پوست می کند! عمله طرب و شادی گوشه ای می نشستند و سواز و نقره می زدند و بقیه هر کدام مشغول به کاری بودند. یکی سبزی و پشن آماده و دیگری نخود و لوبیا پاک می کرد. این آش در دیگرهای متعدد و زیادی پخته می شد تا تکاف تمام رجال و زنان زین شاه را بدهد. خلاصه که طبق عادت همیشگی هم درباریان در پاک کردن سبزی آش شاه از هم سبقت می گرفتند و این شد که سبزی پاک کردن از همان زمان ماند روی افراد چابلووس. این مراسم با عظمت و مفصل باعث سبکی دربار بوده و البته اصلاح هم برای ناصرالدین شاه مهم نبوده است. یعنی ناصرالدین شاه از آن خانواده هایش نبوده که تره برای حرف و نظر کسی خرد کند. اعتماد السلطنه هم در خاطرات خودش می نویسد که امروز آش پزان است و تصور کنید کسی از جزایر مالدیو یا از کره جنوبی سوار بالون شود و باد مخالف را به شمال کره بیاورد و بعد ایران و بالای کوه های البرز، بعد سه شنبه هفتم شوال ۱۲۹۹ آن شخص بگه در چادری که خارج از عمارت شهرستانک زنده، فرود بیاید. این مراسم آش پزی و حقه بازی را ببیند و دوباره سوار همان بالون بشود و رود نزد اقوام و دوستان خودش. اگر از او پرسند در این مدت سفر عجیب ترین چیزی که دیدی، چه بوده؟ یقینا چیزی عجیب تر از مراسم آش پزان ندیده که بگوید. خلاصه که چند دهه قبل همین ماه آبان بوده است که کسانی برای نخستین بار سبزی مقامات را پاک کردند و عکس شان به یادگار ماند... و ملک الشعراء بهار هم می گوید: زندان چابلووس فسر از آید

بنهفته تن به جامه درباری هر یک هوای خاطر خود چسته یعنی ز شسه کنیم هواداری



بالسکن این کیوار کد پاک کست مربوط به یادداشت رایشنود.

## تماشاخانه محبوب ملت

پردیس ملت در ۱۵ سالگی که از افتتاحش می گذرد به پاتوق زیبا و محبوب تهرانی ها تبدیل شده است

در جنوبی ترین قسمت پارک ملت و ابتدای بزرگراه نیایش، ساختمانی شیشه ای خودنمایی می کند که ۱۵ سال است محلی برای تفریح پایتخت نشین هاست: مجموعه های فرهنگی، هنری و تفریحی با عنوان پردیس گالری ملت که از معماری منحصر به فردی برخوردار است و بدون اینکه در ارتفاع خودنمایی کند، زیبایی اش در کمال فروتنی نگاه عابران را می دزدد و توجه مردم را به خود جلب می کند.

پردیس سینمایی ملت با مساحتی بالغ بر ۶ هزار متر مربع در کنار بوستان ملت با امکاناتی همچون ۴ سالن سینما، گالری، کتابفروشی، آبنما و امکانات رفاهی دیگر طراحی شد و در آبان سال ۱۳۸۷ در دست در چینی روزی افتتاح شد. گفته می شود شاخصه این بنا نه فقط نوع و جنس معماری آن بلکه تعاملی است که بین معمار و بخش عمومی شهربر برای اجرا وجود داشته است؛ به طوری که



در این مجموعه فضاهای مناسبی برای برگزاری جشنواره ها و نمایشگاه های مختلف وجود دارد.



پردیس سینمایی ملت در زمان افتتاح دارای ۴ سالن با ظرفیتی حدود ۲۷۸ نفر و یک سالن با ظرفیت ۳۰ نفر بود که در سال ۹۸ شش سالن سینما و یک سالن همایش به این مجموعه اضافه شد. افزایش سالن ها به گونه ای بود که هیچ تغییری در معماری داخلی و نمای ساختمان ایجاد نشد.



ویژگی های خاص این سازه تا حدی مورد توجه بوده است که طرح سینما ملت را برنده «جایزه معمار» در بخش ساختمان های عمومی کرده است. این جایزه در سال ۱۳۸۹ اکتسب شده و نشان دهنده تفاوت های دیدگاه این اثر معماری ایرانی است. اما این تمام ماجرای افتخارات این اثر نبوده و پردیس ملت توانسته به عنوان پروژه منتخب سال ۲۰۰۹ در فستیوال بارسلونا معرفی تا سبب افتخارات این اثر ایرانی پررنگ و لعاب تر شود.

## عکس خانه

### دست و دلبازی آقای نانوا



این خیر نشان می دهد که مردم ایران در هر شغل و منصبی که باشند، باز هم هوای یکدیگر را دارند و دست از کارهای خیر بر نمی دارند. در همین ستون بارها و بارها روای اخباری از این دست بوده و معتقدیم که این اخبار هیچگاه تکراری نمی شوند؛ زیرا حتی تکرار اخبار ارزشمند خیرخواهانه، الگویی می شود تا هر یک از ما آدم ها راه خود را برای خدمت به بندگان خدا و خصوصا نیازمندان پیدا کنیم. عکسی که می بینید به خوبی گویای همه چیز است. این نوشته، دعوت نامه بی برایی یک نانواست که ابتدا دلش نمی خواهد هیچ کسی سرشنه بماند و به همین خاطر نیز بر گله ای روی در نانوا بی چسباند و روی آن نوشته: «هیچ کس نباید گرسنه بخوابد. اگر به هر دلیل پول همراه ندارید، ۲ عدد نان رایگان هدیه بگیرید.» اقدام انسان دوستانه ای که قطعا با شادی دل هر نیازمندی، کلی برکت به همراه دارد و به این سادگی ها نصیب هر کاسی نمی شود.

## خوش خیر

### بدون مایع ظرف بشوید



فناوران ایرانی یک بد ساخته اند مخصوص ظرفشویی که نه نیاز به مایع ظرفشویی دارد نه اسکاچ فقط کافی است پد را دست تان کنید و شروع کنید به شستن ظرف های کثیف. می پرسید چطور؟ جزئیات این خیر را بخوانید. نیمه مهدیار، عضو هیأت مدیره شرکت فناور واقع در دانشگاه آزاد اسلامی شیراز گفته که این محصول، یک بار مصرف است و گیاهی با قابلیت پاک کنندگی بالا که ضررهای مایع ظرفشویی را ندارد. این قسمت خبر اما خیلی جذاب و شنیدنی است. این دستکش یکبار مصرف از چه چیزی ساخته شده است؟ از پودر خشکاله یعنی دورریز ضایعات مواد طبیعی علاوه بر این مواد معدنی موجود در طبیعت هم در این بد ظرفشویی موجود است. ناگفته نماند که ۴ سال طول کشیده تا فناوران ایرانی بتوانند از پودر خشکاله به این دستکش نانویی برسند. امیدواریم به زودی این بد های ظرفشویی به مرحله تولید انبوه برسد.

## گرنویچ

### تخت بیمارستان در بانک



این روزها ویدیوئی عجیب توجه کاربران شبکه های اجتماعی را به خود جلب کرده و ویدیویی که زنی را با تخت بیمارستان در حال عبور از خیابان ها نشان می دهد که مردی بیمار را به طرف بانکی در استان شاندونگ چین می برد و تلاش می کند پس از ورود به بانک، تخت و بیمار روی آن را به طرف یکی از باجه های کارمندان بانک نزدیک کند. ماجرا از این قرار بوده که خانواده مرد بیمار، برای تسویه حساب هزینه های بیمارستان، احتیاج به تأیید هویت شخصی صاحب حساب در بانک داشتند؛ اما هر چه به مسئولان بانک گفته بودند صاحب حساب بیمار است و شرایط آمدن به بانک و احراز هویت خود را ندارد، بانک نپذیرفته بود و دختر مرد بیمار در اقدامی عجیب و از سر خشم، پدرش را کشتن کشتن، روی تخت بیمارستان به بانک آورده تا رئیس بانک، صاحب حساب را ببیند و پول را به آنها بدهد. البته انگار خانواده مرد بیمار، برای این کار درخواست آمبولانس داده بودند، اما حالا بیمارستان زیر بار نرفته و به آنها اعلام کرده استفاده از آمبولانس، برای موارد ضروری است و آنها حاضر نیستند برای چنین موضوعی، آمبولانس در اختیار آنها قرار دهند. نمایش این ویدیو، بحث های دانی را در شبکه های اجتماعی به پا کرده. برخی از کاربران چینی، اعلام کرده اند برای جامعه چینی، خجالت آور است که قوانین سختگیرانه اش، حتی می تواند باعث به خطر افتادن سلامت افراد جامعه شود.

## نقاشی نور

سیدروش طباطبایی پور

در نگاه اول شاید اینطور به نظر برسد که این عکس هادستکاری یا با کمک هوش مصنوعی، خلق شده اند اما اینگونه نیست؛ دیوید گلیور عکاس اسکاتلندی، ۵۰ سال است وقتش را برای خلق تکنیک نقاشی با نور صرف کرده؛ عکاسی شبانه با نوردهی طولانی دوربین و نقاشی سحرانگیز با قلموی نورانی. در این روش، او شاتر دوربین را روی سرعتی مثل ۳۰ ثانیه تا حتی ۲ دقیقه، تنظیم



برای خلق این تصویر، او خودش را با لباس تیره نیوشانده و در میان عکاسی از صحنه خارج نشده.

عکس برنده جایزه جهانی

حرکت چندین چراغ با رنگ های گوناگون و ایجاد چندین طرح پروانه شناور در هوا.



اینجا جزیره لوئیس در اسکاتلند است و در میان سنگ های ایستاده، گلیور، طرح گره ای نورانی را ثبت کرده.

## سوزه روز

### عیدی خیران به زندانی ها

چند خیر نیکوکار در روز تولد حضرت زینب (س) آستین ها را بالا زدند و در این عید فرخنده، رهایی هدیه دادند. در این روز پر خیر با پیگیری انجمن حمایت از زندانیان شهرستان واحد مددکاری، زندانیان اندر زنگه نسوان از زندان نیشابور آزاد شد. زندانیان نسوان با بدهی بالغ بر ۲۵۰ میلیون ریال در زندان تحمل حبس می کرد که با مساعدت ۴۰ میلیون ریالی انجمن حمایت از زندانیان، گذشت ۷۰ میلیون ریالی شاکتی پرونده و آورده نقدی خانواده اش آزاد شد. همچنین یک زندانی بدهکار مالی به مبلغ ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال نیز با کمک ۲ میلیارد ریالی ستاد دیده آستان، مساعدت ۲۰ میلیون ریالی انجمن حمایت و مابقی با آورده نقدی زندانی از زندان آزاد شد.